

Civil Liability of the Government for Cultural Damages: From Immunity for Sovereign Acts to the Obligation to Compensate

Zahra Ahmadinejad¹, Reza RahimiDehsoori² 

1. Master's Degree in Private Law, Shahrud Branch, Islamic Azad University, Shahrud, Iran.
(Corresponding Author) Email: shp.co1990@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Edalat University, Tehran, Iran. Email: dr.rahimi@edalat.ac.ir

Abstract

Cultural rights of citizens, as part of fundamental rights, are emphasized in the legal system of Iran under the Constitution, and the government is obliged to ensure and protect them. However, in practice, due to the lack of effective enforcement guarantees and a broad interpretation of immunity for sovereign acts, cultural and moral damages have often remained uncompensated in numerous cases. Article 12 of the Civil Liability Act of 1960, without distinguishing between types of sovereign acts and their degree of impact on cultural rights, exempts the government from civil liability under certain conditions, thereby paving the way for the violation of citizens' cultural rights. The present study, employing a descriptive-analytical method, examines the jurisprudential and legal foundations of the government's civil liability for cultural damages. According to the research findings, based on the jurisprudential rules of La Darar (no harm), Itlaf (direct causation), and Tasbib (indirect causation), the absolute exemption of the government from compensating cultural damages lacks jurisprudential validity. In the event of fault, negligence, or abuse of the title of sovereign acts, the government, alongside the direct or indirect tortfeasor, shall be liable for compensation. Furthermore, the extensive and often intangible nature of cultural damages, as well as the inability of natural persons or the private sector to compensate them, reinforces the necessity of accepting the government's civil liability. Consequently, the transition from immunity for sovereign acts to obligating the government to compensate for cultural and moral damages is compatible with the principles of Imamiyya jurisprudence and the objectives of cultural rights, and it is an essential measure.

Keywords: Government Civil Liability; Cultural Damages; Sovereign Acts; Moral Damage; Jurisprudential Rules of Liability.

مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارات فرهنگی؛ از معافیت اعمال حاکمیتی تا الزام به جبران

زهرا احمدی نژاد^۱، رضا رحیمی دهسوری^۲ 

۱. کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (نویسنده مسئول)

رایانامه: shp.co1990@gmail.com

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه عدالت، تهران، ایران. رایانامه: dr.rahimi@edalat.ac.ir

چکیده

حقوق فرهنگی شهروندان به عنوان بخشی از حقوق بنیادین، در نظام حقوقی ایران مورد تأکید قانون اساسی قرار گرفته و دولت مکلف به تأمین و صیانت از آن است. با این حال، در عمل به دلیل فقدان ضمانت اجرای مؤثر و تفسیر موسع از معافیت اعمال حاکمیتی، در موارد متعددی خسارات فرهنگی و معنوی بدون جبران باقی مانده‌اند. ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، بدون تفکیک میان انواع اعمال حاکمیتی و میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر حقوق فرهنگی، دولت را با تحقق شرایطی از مسئولیت مدنی معاف نموده و زمینه تضییع حقوق فرهنگی شهروندان را فراهم ساخته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به تبیین مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارات فرهنگی پرداخته است. طبق یافته‌های پژوهش، براساس قواعد فقهی لاضرر، اتلاف و تسبیب، معافیت مطلق دولت از جبران خسارات فرهنگی فاقد وجهت فقهی است و در صورت تقصیر، تسامح یا سوءاستفاده از عنوان اعمال حاکمیتی، دولت در کنار مباشر یا مسبب، ضامن جبران خسارت خواهد بود. افزون بر این، گستردگی و ماهیت غالباً معنوی خسارات فرهنگی و ناتوانی اشخاص حقیقی یا بخش خصوصی در جبران آن‌ها، ضرورت پذیرش مسئولیت مدنی دولت را تقویت می‌کند. نتیجه آنکه گذار از معافیت اعمال حاکمیتی به الزام دولت به جبران خسارات فرهنگی و معنوی، با مبانی فقه امامیه و اهداف حقوق فرهنگی سازگار و امری ضروری است.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی دولت؛ خسارات فرهنگی؛ اعمال حاکمیتی؛ خسارت معنوی؛ قواعد فقهی ضمان

ارجاع به مقاله: احمدی نژاد، زهرا، و رحیمی دهسوری، رضا. (۱۴۰۵). مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارات فرهنگی؛

از معافیت اعمال حاکمیتی تا الزام به جبران. مطالعات فقه و حقوق فرهنگی، ۱۳(۱)، ۲۵۷-۲۳۲.

Doi: 10.22034/cjls.2026.2084549.1083

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۲/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۵

حقوق فرهنگی شهروندان، از جمله بنیادی‌ترین و در عین حال مغفول‌مانده‌ترین شاخه‌های حقوق بشر در نظام‌های حقوقی معاصر به شمار می‌آید. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی در اصول متعدد (از جمله اصل ۳، ۲۴، ۲۸، ۴۳ و ۱۷۵) دولت را مکلف به تأمین، ترویج و صیانت از حقوق فرهنگی و معنوی مردم دانسته است. با این حال، فاصله عمیقی میان الزامات قانون اساسی و رویه عملی دستگاه‌های دولتی در قبال خسارات فرهنگی مشاهده می‌شود. آنچه این فاصله را هموار ساخته، وجود ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ است که بدون تفکیک میان انواع اعمال حاکمیتی و میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر حقوق فرهنگی شهروندان، دولت را از مسئولیت جبران خسارات ناشی از این اعمال معاف نموده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که در حقوق ایران، علیرغم تصریح قانون اساسی بر لزوم حمایت از حقوق فرهنگی، عملاً سازوکار مؤثر و کارآمدی برای جبران خسارات معنوی و فرهنگی ناشی از اقدامات یا ترک اقدامات دولت پیش‌بینی نشده است. ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی که برگرفته از تفکیک سنتی میان «اعمال حاکمیتی» و «اعمال تصدی‌گری» است، به دولت این امکان را می‌دهد که با استناد به «اجرای قانون» یا «دستور مأمور»، خود را از مسئولیت جبران خسارات مبرا سازد. این معافیت موسع در حالی اعمال می‌گردد که مبانی فقهی مسئولیت مدنی در اسلام - به ویژه قواعدی چون «لاضرر»، «اتلاف» و «تسبیب» - به هیچ وجه معافیت مطلق دولت از جبران خسارات را برنمی‌تابند. از سوی دیگر، خسارات فرهنگی به دلیل ماهیت غالباً معنوی، گستردگی دامنه تأثیرگذاری بر جامعه، هویت ملی و ارزش‌های دینی و نیز ناتوانی اشخاص حقیقی یا بخش خصوصی در جبران کامل آن‌ها، ضرورت پذیرش مسئولیت مدنی دولت را دوجندان می‌سازد.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه در حقوق تطبیقی، کشورهایی مانند فرانسه با تفکیک «خطای خدمت» از «خطای شخصی» و آلمان با پذیرش «مسئولیت بدون تقصیر دولت در برخی حوزه‌ها» گام‌های مهمی در جهت تضمین حقوق شهروندان برداشته‌اند، اما در حقوق ایران، مطالعات انجام شده یا عمدتاً بر مسئولیت مدنی دولت در خسارات مادی متمرکز بوده و یا صرفاً به نقد کلی ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی پرداخته‌اند. آنچه در این میان مغفول مانده، تحلیل اختصاصی مسئولیت مدنی دولت در قبال «خسارات فرهنگی» به عنوان شاخه‌ای مستقل از خسارات معنوی با ویژگی‌های خاص خود است. این پژوهش درصدد است تا با

رویکردی فقهی - حقوقی، این خلأ نظری و عملی را پر کند.

سؤال اصلی پژوهش این است که: «بر اساس مبانی فقه امامیه و قوانین موضوعه ایران، آیا دولت در قبال خسارات فرهنگی ناشی از اعمال حاکمیتی خود مسئولیت مدنی دارد و در صورت اثبات مسئولیت، چه شیوه‌هایی برای جبران این خسارات قابل ارائه است؟» در پاسخ به این سؤال، فرضیه پژوهش بر این اصل استوار است که معافیت مطلق دولت از جبران خسارات فرهنگی، فاقد وجهت فقهی بوده و در صورت احراز تقصیر، تسامح، بی احتیاطی یا سوءاستفاده از عنوان اعمال حاکمیتی، دولت در کنار مباشر یا مسبب، ضامن جبران خسارت خواهد بود. همچنین گستردگی و ماهیت غالباً غیرقابل جبران خسارات فرهنگی از طریق بخش خصوصی، پذیرش نوعی مسئولیت تضامنی یا حتی مسئولیت مطلق دولت را در برخی مصادیق (نظیر تخریب میراث فرهنگی توسط نهادهای دولتی) ضروری می‌سازد.

اهداف پژوهش حاضر را می‌توان در سه سطح تبیین نمود: هدف نخست، تبیین مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی دولت در امور فرهنگی با تأکید بر قواعد فقهی ضمان است. هدف دوم، نقد و تحلیل ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی از منظر انطباق با موازین شرعی و اصول حقوقی حاکم بر مسئولیت مدنی می‌باشد. هدف سوم، ارائه راهکارهای عملی و تقنینی برای گذار از معافیت مطلق دولت به سوی الزام آن به جبران خسارات فرهنگی و معنوی است. این اهداف در نهایت به دنبال تحقق عدالت ترمیمی در حوزه حقوق فرهنگی و ایجاد ضمانت اجرای مؤثر برای تضییع حقوق معنوی شهروندان می‌باشند. نکته شایان تأکید آنکه این پژوهش نه از سر انکار نقش حاکمیتی دولت در تنظیم امور عمومی، بلکه در جهت ترسیم مرزهای باریک میان «اقتدار حاکمیتی مشروع» و «تقصیر زیان‌بار قابل جبران» صورت می‌گیرد. دولت به مقتضای قاعده «لاضرر» و اصل «عدالت»، موظف است در قبال هرگونه خسارت فرهنگی ناشی از فعل یا ترک فعل کارگزاران خود - حتی در مقام اعمال حاکمیت - پاسخگو باشد. گذار از معافیت به مسئولیت، گامی استوار در جهت تحقق دولت حقوقی و عدالت فرهنگی در جامعه خواهد بود.

۱. شرایط و ارکان مسئولیت مدنی دولت در امور فرهنگی

منظور از «شرایط مسئولیت مدنی»، همان ارکان لازم برای ایجاد مسئولیت مدنی است. درواقع، برای آنکه شخصی (اعم از حقیقی یا حقوقی) مسئول و مکلف به جبران خسارت وارده

به دیگری باشد، سه شرط یا رکن لازم است: ۱. ضرری که به خواهان وارد شده است؛ ۲. فعل زیان‌بار؛ ۳. رابطه سببیت بین فعل فاعل با ایراد خسارت. (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳) در این بحث، ابتدا از ضرر و مسائل مربوط به آن سخن می‌گوییم و سپس در ضمن بندهایی به فاعل زیان و رابطه سببیت می‌پردازیم. شایان ذکر است که کارکرد مسئولیت مدنی تنها به جبران خسارت محدود نمی‌شود و کارکرد بازدارندگی نقش اصلی را در ایجاد آن ایفا می‌کند. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲، ص ۵۷)

۱-۱. وجود ضرر

برای ایجاد مسئولیت مدنی دولت می‌بایست ضرر و زیانی، اعم از مادی و معنوی، رخ داده باشد. با وجود اینکه بیشتر تأکیدات حقوق اسلام و قانون اساسی دلالت بر اهمیت بیشتر حقوق معنوی و فرهنگی دارند، امروزه آنچه در محیط‌های حقیقی، مجازی، عمومی، خصوصی و پرجمعیت جامعه شاهد هستیم، عکس آن را نشان می‌دهد. (حاتمی، ۱۳۷۷، ص ۲) شرط اول تحقق مسئولیت مدنی، ضرر و زیانی است که برای جلوگیری از آثار و پیامدهای عدم جبران آن، لازم است هرچه سریع‌تر جبران شود.

۱-۱-۱. انواع زیان‌های فرهنگی و معنوی

برخی مواد قانونی به ذکر مصادیقی از عناصر مهم تشکیل‌دهنده خسارت معنوی و فرهنگی اشاره کرده‌اند. مثلاً در صدر ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی آمده است: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع، به حیثیت یا اعتبارات یا موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است.» یا در ماده ۱۰ همین قانون آمده است: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی یا معنوی خود را بخواهد.» در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری نیز زیان معنوی «عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی» تعریف شده است. (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، ماده ۱۴) از مجموع مواد مزبور چنین برمی‌آید که خسارات وارده بر حیثیت و آبروی افراد یا اعتبار اجتماعی اشخاص از جمله خسارات معنوی است، ولی بی‌تردید خسارات معنوی محدود به این نبوده و مصادیق بسیار دیگر نیز دارد که در مواد قانونی مورد عنایت قرار نگرفته است. (حاتمی، ۱۳۷۷، ص ۳-۴) از جمله: صدمات عاطفی مانند بی‌توجهی غیرقابل تحمل هر یک از زوجین به دیگری، آزرده شدن فرزند در مقابل مادر یا پدر.

۲-۱-۱. ضررهای حال (قطعی) و آینده (محتمل)

در یک تقسیم‌بندی، خسارات به قطعی و محتمل تقسیم می‌شوند. ضرر قطعی به‌طور حتم در زمان حال واقع شده است، ولی ضرر احتمالی، ضرری است که احتمال و امکان تحقق آن در آینده وجود دارد. (امامی، ۱۳۸۸، ص ۳۹۶) مسئولیت عدم تأمین حقوق فرهنگی و محروم ماندن از مزایای آن از این قسم است. برخی دیگر (که نظر ما نیز به آنان متمایل است) معتقدند «عدم نفع» عبارت است از اینکه شخصی از فایده‌ای که انتظارش را دارد محروم شود. (بهرامی احمدی، ۱۳۷۷، ص ۶۰) امروزه عقلاً قبول دارند که اگر شخصی، دیگری را از تحصیل منفعت مسلمی بازدارد، مسئول است و باید خسارت را جبران کند. (احمدی و ذکیان، ۱۳۹۲، ص ۴۶) نکته لازم این است که ضرر آینده را نباید با ضرر احتمالی صرف اشتباه گرفت؛ ضرر آینده، ضرری است که عرفاً وجود و تحقق آن در آینده حتمی و مسلم باشد. (شهیدی، ۱۳۷۷، ص ۷۳) همه آسیب‌های وارده در یک حادثه فرهنگی مربوط به حال نیست، بلکه گاهی منشأ ضرر مربوط به حال و بروز ضرر مربوط به آینده است. در حال حاضر برای جلوگیری از ضررهای قطعی الحال و محتمل در آینده، برخی قوانین مثل قانون مجازات اسلامی و آیین‌نامه‌های مربوط به امور خلافی، اماکن عمومی و تخلفات اداری، بیش از ۷۴ عنوان از اقدامات زیان‌بار مربوط به حوزه فرهنگ را جرم‌انگاری کرده‌اند. (عنصری‌فرد، ۱۳۸۳، ص ۴۵) برای نمونه می‌توان به مصوبه کمیسیون سیاست‌گذاری در امور اجرایی مبارزه با مظاهر فساد وزارت کشور مورخ ۱۳۷۵/۰۶/۲۵ اشاره کرد که استفاده از علائم راکی، مایکل جکسون و اصطلاحات خارجی مستهجن را ممنوع اعلام کرده است. همچنین صورتجلسه‌های تهیه شده از سوی نیروی انتظامی برای بازدید از خودروها، مواردی مانند پخش نوار موسیقی، همراه داشتن علائم و نوشته‌ها مبتذل را از مصادیق رفتار مجرمانه محسوب کرده است. (عنصری‌فرد، ۱۳۸۳، ص ۴۷) ایجاد مسئولیت مدنی برای مسئولان حکومتی و دولتی در امور فرهنگی، راهکار مناسبی است. منبع ضرر و آسیب (حوادث فرهنگی رخ داده در اثر بی‌نظارتی، اهمال، بی‌احتیاطی یا بی‌لیاقتی مسئولان فرهنگی) هرگاه متوقف گردد و اصلاح، درمان و جبران خسارت‌ها پیگیری شود، مشکل و پیچیدگی حل بحران‌های فرهنگی و معنوی جامعه آسان می‌گردد.

۳-۱-۱. شرایط ماهوی ضرر و خسارت قابل جبران

برخی از شرایط ماهوی قابل جبران بودن خسارت عبارتند از: قابلیت جبران ضررهای معنوی، قابلیت پیش‌بینی ضرر، شخصی بودن ضرر و عدم تدارک خسارت توسط دولت.

۱-۳-۱. قابل جبران دانستن ضررهای معنوی و زیان‌های مادی ناشی از آن

برخی بدون هیچ تردیدی قائل به پذیرش جبران خسارت‌های معنوی و فرهنگی هستند. (اصغری آقمشهدی، ۱۳۸۲، ص ۳۲-۴۸) و برخی دیگر به شدت با صدق عنوان ضرر بر خسارت‌های فرهنگی یا قابلیت جبران آن مخالف‌اند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۵۹) در مقابل، به نظر می‌رسد اگرچه دفع ایراد خسارت به دیگران نیز می‌تواند از آثار بازدارندگی مسئولیت مدنی محسوب شود، اما هدف اصلی مسئولیت مدنی، زایل نمودن ضرر نیست؛ بلکه جبران خسارت است. (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۴۳۴) خسارت‌های فرهنگی از طرق دیگری نظیر انتشار اطلاعات صحیح در روزنامه رسمی، اعلام عذرخواهی، اعاده به وضع سابق، برگزاری کلاس‌های آموزشی رایگان و... نیز جبران می‌شوند. از منظر فقهی می‌توان حکم به مسئولیت مدنی برای ایراد خسارت معنوی را با تکیه بر قابل تعزیر بودن این عمل توجیه نمود؛ زیرا طبق قاعده «التعزیر لكل عمل محرم»، هرکس به ناحق به حقوق معنوی و آبروی دیگران لطمه وارد کند، مرتکب عمل حرامی شده که مستوجب تعزیر است. (محقق داماد، ۱۳۹۸، ص ۴۰؛ جعفری و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۴۱-۱۶۸)

۱-۳-۲. قابلیت پیش‌بینی ضرر برای پیشگیری از وقوع خسارت

برخی معتقدند قابل پیش‌بینی بودن ضرر در بحث مسئولیت قراردادی مطرح می‌شود. (باریکلو، ۱۳۸۵، ص ۷۸) اما به نظر می‌رسد این شرط را در برخی از مسئولیت‌های غیرقراردادی نیز بتوان اعمال کرد؛ چون اغلب زیان‌های فرهنگی قابل پیش‌بینی برای جلوگیری از تحقق ضررهای آینده هستند. اگر دولت برای سامان دادن به فضای مجازی به رغم امکان پیش‌بینی ضررهای احتمالی، امور لازم را انجام ندهد و در اثر آن اشخاص (خصوصاً از اقشار آسیب‌پذیر) دچار ضرر شوند، مسئولیت مدنی دولت نباید نادیده گرفته شود.

۱-۳-۳. شخصی بودن ضرر

وقتی ضرر متوجه شخص خاصی باشد، شیوه مطالبه خسارت چندان مشکل نیست؛ ولی وقتی ضرر متوجه یک جمع باشد و نتوان فرد خاصی را متضرر از آن عمل زیان‌بار دانست، کار مشکل‌تر خواهد بود. در بحث تضییع حقوق فرهنگی و معنوی، بحث عمده ما درباره زیان رسیده به عموم است که باید پیگیری شود. در این بحث شایسته است دادستان کشور به نمایندگی از عموم مردم با استناد به اصل ۱۵۶ قانون اساسی از باب استیفای حقوق عامه، به مطالبه حقوق معنوی مردم از مسئولان فرهنگی بپردازد. (فهیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۱-۱۲۶)

۴-۳-۱. عدم تدارك خسارت توسط دولت

ماده ۳۱۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر مالک تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از یکی از غاصبین بگیرد، حق رجوع به قدر مأخوذ به غاصبین را ندارد.» و ماده ۳۲۲ نیز می‌گوید: «ابراء ذمه یکی از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف او موجب ابراء ذمه دیگران از حصه آنها نخواهد بود.» به موجب این مواد، شایسته نیست یک ضرر از چند طریق جبران شود و زیان دیده نمی‌تواند دو یا چند وسیله جبران ضرر را با هم جمع کند. (بابائی، ۱۳۹۴، ص ۷۷)

مواقعی که یک شخص در معرض خسارت معنوی و فرهنگی قرار می‌گیرد، مکلف است اقدامی معقول و متعارف از خود نشان داده و تا حد امکان از توسعه و گسترش زیان جلوگیری کند. در غیر این صورت، امکان مطالبه جبران زیان‌هایی که در اثر اهمال‌کاری خویش از گسترش آنها جلوگیری ننموده، وجود ندارد.

۴-۱-۱. شرایط شکلی جبران خسارت

برخی شرایط شکلی نیز شامل طرفین دعوی، امکان شکایت و مراجع رسیدگی است.

۱-۴-۱-۱. طرفین دعوی

با استناد به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که مقرر می‌دارد «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» (مجبی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۴) و با توجه به ماده ۱۱ قانون مذکور که مسئولیت دولت را به عنوان یکی از مصادیق اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده است، واژه «هرکس» شامل اشخاص حقیقی و هم حقوقی می‌گردد.

۲-۴-۱-۱. امکان شکایت و مطالبه حقوق

به موجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی و مواد ۱۰ و ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، هرکس از تصمیمات یا رفتارهای نهادهای دولتی شکایت داشته باشد، می‌تواند به دیوان مراجعه کند. همچنین هرکس آیین‌نامه، بخش‌نامه، دستورالعمل یا هر نوع مقررات دولتی را خلاف قانون یا شرع بداند، می‌تواند ابطال آن را از هیئت عمومی دیوان عدالت اداری تقاضا کند. (قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۲، مواد ۱۰ و ۱۲)

۳-۴-۱. مراجع رسیدگی و حل اختلاف

مرجع صالح برای تضمین مسئولیت مدنی دولت در امور فرهنگی مانند تمام دعاوی مسئولیت مدنی، دادگاه‌های عمومی حقوقی است و دیوان عدالت نیز در برخی موارد ممکن است صالح باشد، هرچند اختلاف نظر وجود دارد. (جلالی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۸۶-۱۱۲؛ آقای طوق، ۱۳۹۸، ص ۲۴۴-۲۶۵)

۴-۴-۱. میزان خسارات قابل مطالبه

رسیدگی به جرایم و معین نمودن میزان ضررهای وارده در حوزه فرهنگ و رسانه، ظرایف خاصی را می‌طلبد. دادرای فرهنگ و رسانه، از جمله دادرهای تخصصی ویژه رسیدگی به جرایم در امور فرهنگی، هنری و رسانه‌ای است. محاکم بایستی عرفاً تمام ابعاد و احوال موضوعات را بررسی نمایند و بین ضررهای واردشده و میزان خسارات قابل مطالبه، حتی‌المقدور تساوی عرفی را رعایت کنند. (مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۵۷۳، ۱۱۷۳)

۲-۱. ارتکاب فعل زیان‌بار

اصولاً مسئولیت مدنی ناشی از عمل شخصی می‌باشد و هر شخصی مسئول رفتار و افعال خویش است. (آیه ۱۸ سوره فاطر) در صورتی فاعل فعل زیان‌بار مسئول عمل خویش است که عمل شخص بدون مجوز قانونی و شرعی انجام گیرد. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۸) در مسئولیت مدنی شخص فاعل بر مال غیر لزوماً استیلا ندارد، بلکه با فعل و ترک خود، موجبات از بین رفتن یا ناقص شدن حقوق معنوی و فرهنگی افراد را فراهم می‌نماید. گاهی شخص (حقیقی یا حقوقی) در حال انجام امری است که در اثبات آن فعل دیگری را انجام نمی‌دهد و موجب بروز خسارت می‌شود؛ مثلاً معاون وزیر ارشاد از ادامه برگزاری مراسمی که خلاف شئون اسلامی است جلوگیری نمی‌کند. در این فرض، مسئولیت مدنی محقق است.

۳-۱. رابطه سببیت بین فعل فاعل و ایراد خسارت

برای تحقق مسئولیت مدنی تنها وجود خسارت و فعل زیان‌بار فاعل کافی نیست. منطوق و عدالت حکم می‌کند هیچ شخصی مسئول زیان ناشی از تقصیر یا فعل زیان‌بار دیگری نباشد و می‌بایست رابطه سببیت بین فعل فاعل و ایراد خسارت اثبات شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۴۳۴)

الزامی بودن وجود رابطه سببیت را می‌توان از مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی و مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی نیز استنباط کرد. در بحث امور فرهنگی، می‌توان به پرونده پخش فیلم «۵ کیلومتر تا بهشت» از شبکه سوم سیما در سال ۱۳۹۰ اشاره کرد. پسر نوجوانی به تقلید از این فیلم دست به خودکشی زد. دادگاه، مدیر شبکه سه، تهیه‌کننده و کارگردان فیلم را طبق حکم دایر بر تسبیب در قتل شبه‌عمدی به میزان ۲۰ درصد به واسطه بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات مربوطه محکوم به پرداخت ۲۰ درصد دیه کامل و ۷۲ میلیون ریال جزای نقدی کرد. (پایگاه خبری رکنا، ۱۳۹۰)

۲. نسبت امور حاکمیتی و تصدی‌گرایانه با مسئولیت مدنی دولت

در جامعه امروزی که مقبولیت و تداوم حکومت به حمایت‌های مردمی بستگی دارد و حمایت‌های مردمی به رضایت عمومی از عملکرد دولت‌ها، جبران خسارات ناشی از اقدامات حاکمیتی دولت (مسئولیت مدنی دولت) نیز جزئی از این عملکردها می‌باشد. طبق ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، امور حاکمیتی عبارتند از: «آن دسته از اموری که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه می‌شود». (قانون مدیریت خدمات کشوری، ۱۳۸۶، ماده ۸) بندهای «الف» (سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در بخش‌های فرهنگی) و «ز» (ترویج اخلاق، فرهنگ و مبانی اسلامی و صیانت از هویت ایرانی - اسلامی) این ماده، مستقیماً به امور فرهنگی اشاره دارند.

ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، دولت را تنها با سه شرط (برحسب ضرورت اقدام شده باشد، برای تأمین منافع اجتماعی باشد و طبق قانون عمل شده باشد) از مسئولیت معاف کرده است. انتقاد اساسی این است که قانون‌گذار هیچ تفکیکی در بین اعمال حاکمیتی دولت قائل نشده و در همه اقسام اعمال حاکمیتی، صرف‌نظر از میزان تأثیرگذاری دولت و آسیب‌پذیری اقشار گوناگون، آن را از مسئولیت معاف نموده است. (عباسی، ۱۳۹۳، ص ۵۰) در امور فرهنگی که ضررهای وارده اغلب غیرقابل جبران و دارای شدت اثرگذاری بالا در مدت زمان طولانی هستند، این معافیت مطلق وجهه شرعی و قانونی ندارد.

۳. لوازم جبران خسارت‌های فرهنگی دولت

منظور از لوازم جبران خسارت‌های فرهنگی، شناخت ضروریاتی از قبیل معیارهای تشخیص آن‌ها با سایر زیان‌ها، شیوه‌های جبران این‌گونه ضررها و پی‌بردن به لزوم جبران و دفع و رفع

آن‌هاست. طبق بررسی‌های صورت گرفته، حقوق معنوی، مفهومی اعم از حقوق فکری یا حق اخلاقی دارد و به جهت صیانت و حمایت از مصالح معنوی، فرهنگی و اعتقادی وجود انسان ایجاد شده است. (قدرتی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۹۰-۱۶۱) دامنه این مصالح برگرفته از مصالح ضروری پنج‌گانه (دین، نفس، عقل، نسل و مال) است که حاصل استقرار احکام و متون شرعی است. برای تشخیص این‌گونه ضررها با سایر زیان‌ها، می‌توان به قوانین موجود (مانند مواد ۸ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری) و عرف جامعه بسنده کرد.

در این قسمت، شبهه‌ای که مطرح می‌شود عبارت است از اینکه قبول مسئولیت مدنی برای دولت در امور فرهنگی ممکن است منجر به بازشدن پرونده‌های متعدد گردد و بدین ترتیب، معضل تراکم پرونده‌ها در قوه قضائیه تشدید خواهد شد. در پاسخ باید گفت: اولاً، حجم وسیع پرونده‌ها و دعاوی مسئولیت مدنی در جامعه امروزی عمدتاً مربوط به روابط افراد جامعه با یکدیگر است و پذیرش طرح دعاوی مسئولیت مدنی افراد علیه دولت در امور فرهنگی، نسبت به آن‌ها حجم کمتری دارد. (میرزاحمدی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۰-۴۵) ثانیاً، اگرچه ممکن است در آغاز اجرایی شدن تئوری مسئولیت مدنی دولت در امور فرهنگی، حجم پرونده‌های حقوقی علیه دولت زیاد گردد، اما پس از گذشت مدت اندکی، طرح و گسترش مشکلات، دعاوی و پرونده‌های مرتبط و اثرپذیر از امور فرهنگی جامعه محدود شده و جلوگیری خواهد شد. (نقیبی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴) البته اگر دعاوی مسئولیت مدنی دولت در دیوان عدالت اداری قابل طرح و رسیدگی باشد، هم رسیدگی‌ها بهتر و دقیق‌تر انجام می‌شود و هم از حجم وسیع مشکلات کاسته می‌گردد. (جلالی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۸۶-۱۱۲)

۱-۳. وجود مشکلات فرهنگی و معنوی

طبق قانون اساسی، برنامه چهارم و پنجم توسعه، قانون خدمات کشوری (وحدت ملاک از ماده ۱ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۴۷)، دولت در قبال سلامت افراد خصوصاً سلامت روانی، معنوی و فرهنگی مسئول است. به قول برخی اندیشمندان، این مسئولیت دولت را باید از حوزه قوانین داخلی وسیع‌تر دانست. (خونینی و باقری، ۱۳۹۴) و مفاد معاهدات و کنوانسیون‌هایی را که ایران به آن‌ها ملحق شده است - که برای دولت‌ها در قبال سلامت روان نیز مسئولیت قرار می‌دهند - بر دایره مسئولیت در ایران افزود. به عنوان نمونه می‌توان به اسناد بین‌المللی مثل کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و اسناد و قوانین عادی داخلی مثل قانون تأمین زنان و کودکان

بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۰۸/۲۴ اشاره کرد. (خوینی و باقری، ۱۳۹۴)

در ادامه، ارائه نظر برخی صاحب‌نظران شایسته ذکر است:

دعاوی راجع به خسارات معنوی در محاکم قضائی ایران بسیار مهجور مانده و بیشتر قضات عنایت چندانی به این‌گونه دعاوی نکرده‌اند و اگر هم مدعیان را جدی ببینند، آنان را به اغماض و چشم‌پوشی از دعاوی خود دعوت نموده‌اند و یا حداکثر موضوع را از طریق صلح و سازش فیصله داده‌اند. از حدود ۱۰۰۰ پرونده حقوقی و کیفری که ضمن طرحی تحقیقی در طول سال‌های ۶۵ تا ۷۰ مورد مراجعه اینجانب قرار گرفته است، به یک مورد از دعاوی مربوط به خسارت معنوی که به وسیله محاکم قضائی رسیدگی و رأی صادر شده باشد برخوردیم. در حالی که به عقیده نویسنده، یکی از راه‌های مؤثر اشاعه فرهنگ غنی اسلام، حرمت نهادن به کرامت انسانی و رعایت حریم والای انسانیت است که تاکنون در جامعه اسلامی امروز ما سخت در معرض خدشه و اسائه قرار گرفته است. (حاتمی، ۱۳۸۲، ص ۴۴-۴۹) امروز یکی از وظایف بسیار مهم و جدی دستگاه‌های قضائی و اجرائی و قانون‌گذاری کشور، پر کردن خلأهای ناشی از نارسائی قوانین و یا فقدان رویه‌های قضائی روشن و بالاخره نبودن ضمانت‌های اجرائی محکم در موارد مخدوش شدن حیثیات و اعتبارات شخصی و اجتماعی افراد و لگدمال شدن عواطف و احساسات انسان‌هاست.

۲-۳. تبعات عدم جبران زیان‌های معنوی

از یک طرف، عدم جبران خسارت‌های معنوی و فرهنگی جامعه، منجر به ایجاد بحران‌های هویتی، اعتقادی، اجتماعی و حقوقی می‌گردد و از طرف دیگر، با نفوذ ارزش‌های جدید و تعارض آن‌ها با ارزش‌های گذشته و ملی، نظم اجتماعی فراگیر تحلیل می‌رود، همبستگی اجتماعی تحدید می‌گردد و اثربخشی هنجارهای فرهنگی به سبب تغییرات شدید فرهنگی و اجتماعی ناشی از جهانی‌شدن تضعیف می‌شود؛ بنابراین، جامعه در برابر دو آسیب همزمان در قالب تضعیف و فروپاشی ارزش‌های گذشته و ظهور ارزش‌های جدید، متکثر و متعارض قرار می‌گیرد. (نجفی توانا و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵۵-۸۴) در نتیجه، شکاف میان ارزش‌های گذشته و جدید، نهادهای اجتماعی را که وظیفه جامعه‌پذیر کردن و ادغام اجتماعی افراد جامعه را بر عهده دارند، تضعیف می‌کند و آن‌ها نمی‌توانند مشارکت افراد جامعه را برای صیانت از نظام ارزشی جلب نمایند. در نتیجه، پیشگیری اجتماعی و فرهنگی از جرایم - که وابسته به

جامعه‌پذیری و تطابق فرد با نظام ارزش‌هاست - با مسائل جدی مواجه می‌گردد. (نجفی توانا و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵۵-۸۴) به بیان دیگر، نسل جدیدی از ارزش‌ها و هنجارها شکل می‌گیرد که در تعارض با نظام ارزشی و هنجاری رسمی جامعه است. با ورود جریان‌های متکثر و متعارض فرهنگی به فضای فرهنگی جامعه (در اثر نفوذپذیری مرزها)، خانواده‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و سایر نهادهای اجتماعی نمی‌توانند وظایف، نقش‌ها و تعهدات خود را در رابطه با جامعه‌پذیری افراد به درستی ایفا کنند. همین امر موجب ایراد خسارت‌های مادی و معنوی به اشخاص می‌گردد و سایر جرایم اخلاقی و فرهنگی، ناهنجاری‌های قبیح در ملاءعام به طور مکرر رخ خواهد داد و در نهایت منجر به افول یک فرهنگ و تمدن جامعه اصیل خواهد شد. اگرچه قاعده جبران خسارات معنوی و فرهنگی ایجاب می‌کند پس از ثبوت ایراد خسارت و وجود رابطه سببیت، سریعاً ضرر و زیان‌های معنوی و فرهنگی جبران شوند، اما اجرای این قاعده مانع انجام هرگونه اقدام متعارف و معقول زیان‌دیده که برای کاهش خسارت و جلوگیری از گسترش ضرر لازم است، نمی‌گردد. (شعاریان و مولانی، ۱۳۹۲، ص ۳۵-۶۴) امروزه با توجه به نصوص و متون قانونی (اصول ۳ و ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۱، ۲، ۸، ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی)، در لزوم جبران خسارت‌های معنوی و فرهنگی تردیدی وجود ندارد. با وجود اصل لزوم جبران خسارات در بحث مسئولیت مدنی، تحقیقات میدانی و مصاحبات صورت گرفته حاکی از بروز خسارات و آسیب‌های فرهنگی بسیاری در اماکن پرجمعیت و یا کم‌برخوردار بوده و هست. اقدامات و تصمیمات ضعیف و یا ناکارآمد برخی از مسئولان حکومتی و اقشار تأثیرگذار جامعه نیز بر دامنه این ضرر و زیان‌ها افزوده است. به عنوان مثال، عدم استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌ها برای بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها، یا ایراد ضررهای ناشی از عدم ارائه سواد رسانه‌ای و کار با فضای مجازی و به تعبیر بهتر عدم ایجاد محیط‌های مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و فرهنگی توسط مسئولان مربوطه، منجر به ایراد خسارت‌های سرسام‌آور فرهنگی و معنوی به برخی از خانواده‌ها و نهادهایی که امور تربیتی افراد جامعه را بر عهده دارند، شده است.

۴. شیوه‌های جبران خسارات فرهنگی و معنوی

شیوه‌های مختلف جبران خسارت در مسئولیت مدنی، همان طرق اجرای تعهد فاعل زیان و مسئول است که تابع اهداف مسئولیت مدنی می‌باشند. از میان اهداف مسئولیت مدنی یعنی

جلب رضایت زیان‌دیده، اعاده به وضع پیشین زیان‌دیده، جبران ضرر و ممانعت از ارتکاب اعمال خلاف نظم اجتماعی توسط سایرین، عامل اصلی در تعیین آثار مسئولیت مدنی در تمامی نظام‌های حقوقی، جبران خسارت است. (نیک‌فرجام، ۱۳۹۲، ص ۱۲۱) به دلیل اینکه روش‌های جبران خسارت معنوی، اموری نسبی و برآیندی از اندیشه‌های حقوقی و اجتماعی هر عصر هستند و شیوه‌های متداول در حقوق عرفی و موضوعه، در فقه نیز قابل پذیرش به نظر می‌رسد؛ چون از سکوت و عدم ردع شارع نیز می‌توان رضایت و حکم شرعی را دریافت. (خدابخشی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳)

به نظر برخی علما، ویژگی مهم مسئولیت عبارت از این است: تا جایی که امکان‌پذیر است، تعادل از بین رفته به وسیله زیان را مجدداً برقرار سازد و زیان‌دیده را در وضعی قرار دهد که اگر عمل زیان‌بار تحقق نمی‌یافت، در آن وضعیت قرار می‌گرفت. البته باید توجه داشت که جبران زیان‌های وارد شده اغلب، به گونه‌ای که وضع زیان‌دیده به صورت پیشین خود برگردد، ممکن نیست؛ ناگزیر باید تا جایی که عرف می‌داند، ضرر جبران شود. (خدابخشی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳) در واقع راه‌های جبران خسارت معنوی را نمی‌توان حصری دانست؛ زیرا در خسارت، امر مهم جبران است و راه جبران طریقت دارد نه موضوعیت. در مواردی ممکن است فقط پول گره‌گشا باشد و در مورد دیگر یک عذرخواهی ساده. (پروین، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵)

۱-۴. بررسی حقوقی شیوه‌های جبران خسارات فرهنگی

در حقوق ایران، قانون‌گذار انواع روش‌های جبران، اعم از مالی و غیرمالی را جهت جبران ضرر معنوی پیش‌بینی نموده است. به عنوان یک قاعده کلی، ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «دادگاه میزان زیان و طریق و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد». (قانون مسئولیت مدنی، ۱۳۳۹، ماده ۳) ماده ۱۰ قانون مزبور نیز، به عنوان حکمی خاص، ناظر به قسمی از ضررهای معنوی یعنی لطمه به حیثیت و اعتبار اشخاص می‌باشد و مقرر می‌دارد: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود، می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می‌تواند ... علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید». (قانون مسئولیت مدنی، ۱۳۳۹، ماده ۱۰) موقوف شدن عملیات زیان‌بار،

نوع دیگری از جبران عینی است که البته ناظر به از میان بردن منبع ضرر می‌باشد و قابل جمع با جبران پولی است. همان طور که دیده می‌شود، جبران مالی و غیرمالی توأم با یکدیگر قابل حکم هستند.

برخی از حقوقدانان معتقدند: چون لطمه به حیثیت، درد و آلام روحی از اموال نمی‌باشد تا بتوان به وسیله پول آن را تقویم نمود، لذا قوانین بعضی از کشورها اجازه مطالبه خسارت نسبت به آن را نداده‌اند. ولی چون محکومیت زیان‌دیده به پرداخت مبلغی موجب تشفی و تسکین خاطر زیان‌دیده می‌گردد و تنبیه مرتکب را نیز در بردارد، منطق اجتماعی آن را می‌پذیرد. (امامی، ۱۳۸۸، ص ۵۷۸) اما در خصوص بعضی از اقسام ضرر معنوی امکان جبران از طریق غیرپولی و غیرمالی وجود ندارد، نظیر دردهای جسمانی، آلام روحی و ترس. حال اگر جبران مالی نیز برای آن‌ها در نظر گرفته نشود، بدون جبران باقی خواهند ماند و بدیهی است که این امر قابل قبول نمی‌باشد؛ زیرا منطقی نیست که مفهومی از ضرر پذیرفته شود لکن جبران خاصی برای آن در نظر گرفته نشود؛ چون در این صورت ضرر دیگری ایجاد می‌شود. از این رو، علاوه بر جبران مادی یعنی پرداخت مبلغی پول به زیان‌دیده، قانون‌گذاران راه‌های دیگری را نیز برای جبران خسارت معنوی مورد توجه قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان به الزام مرتکب فعل زیان‌بار به ارائه مراتب اعتذار خود و یا درج حکم در مطبوعات اشاره کرد. در برخی موارد نیز زیان‌دیده در دادخواست تقدیمی، پرداخت ضرر و زیان معنوی را به سود یکی از انجمن‌های خیریه مورد تقاضا قرار می‌دهد. به همین دلیل درباره تقویم خسارات معنوی به امور مالی، تصریحی در قانون مسئولیت مدنی دیده نمی‌شود و در عین حال در این مورد منعی نیز در این قانون ذکر نشده است. (نیک‌فرجام، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳)

۲-۴. شیوه‌های جبران در متون قانونی

علاوه بر قوانین مدنی، در قوانین کیفری نیز خسارات معنوی مطرح و موضوع حکم قرار گرفته است. صریح‌تر از سایر متون کیفری، ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری است که در تبصره ۱ مقرر نموده: «شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. تبصره: زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج

حکم در جراید و امثال آن حکم نماید». (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، ماده ۱۴) روش‌های متداول جبران خسارت معنوی بر اساس متون قانونی موجود به طور خلاصه عبارت است از: موقوف نمودن یا از بین بردن منبع ضرر. (کریمی‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۹۹-۱۰۳) در متون قانونی به این روش کمتر پرداخته شده است. تنها در ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی به این شیوه توجه شده است. از عبارت ماده چنین استنباط می‌گردد که قانون‌گذار در مقام بیان مناسب جبران خسارات وارده به اعتبارات و حیثیات تجاری یا حرفه‌ای می‌باشد. این مقوله تنها موارد نادری از خسارات معنوی را شامل می‌شود، به شرط اینکه: اول، در اثر تصدیقات یا صدور گواهی‌های غیرقانونی یا نشر مطالب خلاف واقع، حیثیت و آبروی کسی در معرض تجاوز قرار گرفته باشد؛ دوم، از این بابت شخص متضرر گردیده باشد؛ و سوم، از طریق موقوف نمودن عملیات مزبور بتوان رفع خسارت نمود؛ اما در داستان سمره (شأن نزول قاعده لاضرر)، تمسک به این شیوه بارزتر می‌نماید، زیرا علی‌رغم خسارات معنوی مسلمی که به لحاظ بی‌حرمتی به حریم منزل شخص شاکی وارد گردیده، در متن حدیث هیچ‌گونه بیانی بر تعیین ترتیب جبران این خسارت نشده است و رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تنها با صدور دستور قطع درخت، رفع خسارت نموده‌اند. (نجفی خوانساری، ۱۴۱۸ق، ص ۱۹۸) به نظر برخی محققان، در شرایط جامعه آن زمان با حاکمیت بسیاری از تعصبات جاهلی، شاید بهترین وسیله جبران این خسارت معنوی همان کندن درخت بوده که در عین حال بهترین تسلی و پشت گرمی برای شاکی و زجرآورترین تنبیه برای متجاوز محسوب می‌شده است. (حاتمی، ۱۳۷۷، ص ۱-۲۰)

شیوه‌های بسیار رایج در متون قانونی و حقوقی، عذرخواهی شفاهی، عملی یا کتبی و یا درج مراتب اعتذار در جراید کثیرالانتشار از خسارت‌دیده، اعاده حیثیت از آن به هر نحو دیگر که ذیل اصل ۱۷۱ به آن تصریح گردیده است و نیز پرداخت مال یا حمایت‌های مادی خسارت‌دیده است. (قانون مسئولیت مدنی، ۱۳۳۹، ماده ۱۰) اما باید گفت شیوه مذکور تنها در صدمات معنوی کم‌اهمیت و جزئی کاربرد دارد و در بعضی از آن‌ها مؤثر است و گرنه خسارات عظیم حیثیتی یا آبرویی یا ناموسی و عاطفی از قبیل بدنام کردن یک فرد یا خانواده، جریحه‌دار کردن عواطف افراد، وارد کردن فشارهای روحی شدید چگونه از طریق معذرت‌خواهی یا درج اطلاعیه‌ای در روزنامه و امثال آن جبران یا حتی تعدیل می‌گردد؟ به همین دلیل برخی معتقدند هیچ وسیله‌ای مؤثرتر و کارا تر از پرداخت وجه یا انتقال مال با رعایت تناسب بین فشارهای روحی وارده و مابه‌ازاء مالی آن نمی‌توان به کار گرفت. (نیک‌فرجام، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳) در هر حال،

در دنیای فانی به علت محدودیت‌های گسترده‌ای که انسان در آن قرار دارد، جبران همه خسارت‌ها ممکن نیست، اما بایستی تا جای ممکن این خسارات جبران شود.

۳-۴. شیوه‌های جبران در رویه محاکم قضایی

طریقه جبران خسارات معنوی در نظام‌های حقوقی غرب که تجربه طولانی‌تری در این زمینه دارند، جایگاهی وسیع یافته است. در این نظام‌ها، قوای مقننه با تصویب قوانین متعدد و صریح، روش‌های مطلوبی را جهت جبران خسارات معنوی به روش مادی مقرر داشته‌اند. محاکم قضائی به ویژه دادگاه‌های عالی نیز بر ضرورت جبران خسارت معنوی از طریق پرداخت پول یا اموال مادی پا فشرده‌اند. علاوه بر این‌ها، محققین این کشورها تحقیقات جامعی در این مورد انجام داده‌اند. به عنوان نمونه، به منظور تعیین میانگین خسارات معنوی وارده بر افراد در رابطه با از دست دادن خویشاوندان نزدیک ناشی از ارتکاب جرائم در سال ۱۹۳۸، در یک بررسی آماری دقیق حقوقی، قریب ۵۰۰ رأی صادره بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۶ در دادگاه‌های استیناف شهرهای پاریس، رن، مونپلیه و نیم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و چنین نوشته است: «محاکم مزبور برای جبران غم و غصه ناشی از مرگ همسر به طور متوسط مبلغ ۲۴۸۶۲ فرانک فرانسه و برای جبران غم و غصه ناشی از مرگ پدر یا مادر مبلغ ۳۹۶۴۸ فرانک و برای جبران غم و غصه ناشی از مرگ یک فرزند مبلغ ۱۵ هزار و ۴۹۰ فرانک تعیین کرده‌اند. (Viney, 1988, p. 205) البته باید نسبت این مبالغ را با نهاد دیه که در فقه و قانون اسلام داریم سنجید و اینکه آن‌ها علاوه بر این مبالغ، دیه هم دارند یا خیر؟ پاسخ به این نوع از پرسش‌ها نیازمند پژوهش‌های دیگر است و در اینجا نمی‌گنجد.

در نظام حقوقی ایران، علاوه بر وجود مواد صریحاً یا تلویحاً پذیرنده جبران خسارت معنوی (مانند مواد ۱، ۲، ۸، ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و اصل ۱۷۱ قانون اساسی)، در آراء قضایی نیز گاهی رگ و ریشه‌های آن و گاهی اصل آن دیده می‌شود. در واقع، در ایران رویه قضایی دادگاه‌ها قبل از انقلاب اسلامی در خصوص جبران زیان فرهنگی، پرداخت مبلغی برای بازماندگان متوفی یا برای جبران حیثیت از دست رفته حکم صادر می‌نمودند؛ اما پس از انقلاب اسلامی و با تصویب قانون حدود، قصاص، دیات، تعزیرات اسلامی، به مسئله زیان معنوی و جبران خسارت ناشی از آن با تردید نگریسته شد، اگرچه آرائی پراکنده در این زمینه صادر گردید.

یک نمونه از آرائی که در این خصوص صادر گردیده، رأی شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی تهران می‌باشد (رأی شماره ۹۸۴ مورخ ۷۶/۵/۱۲، شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی تهران، پرونده‌های کلاسه ۱۱۹/۷۶ و ۳۱۴۲/۷۵). موضوع این پرونده، رسیدگی به اتهام سه نفر به نام‌های محمد ج، حمیدرضا خ و حمید ج دائر بر اسیدپاشی به صورت دو دختر ۹ ساله و ۱۷ ساله است که منجر به ایجاد جراحات عمیق در نواحی صورت و از بین بردن کامل زیبایی چهره نامبردگان گردیده است. در قسمتی از این رأی، پس از صدور رأی قصاص در مورد متهم ردیف اول و پرداخت دیه وارث، چنین آمده است: «... و در خصوص صدمات وارده بر چشم و نقصان بینایی و احتمال کوری چشم و در خصوص تأثیر جنایت در حالات روحی مصدوم و امکان بروز اختلالات رفتاری... نظر به اینکه اظهارنظر در خصوص هر یک از موارد مذکور مستلزم طی دوره‌های درمان و معاینات بعدی و اظهار نظر کارشناسی مجدد است و فی الحال اظهارنظر قضایی میسر نیست، لذا پرونده در این خصوص مفتوح خواهد بود» (رأی شماره ۹۸۴ مورخ ۷۶/۵/۱۲). اگرچه در زمان صدور رأی، بر جبران خسارت معنوی رأی صادر نگردیده، ولی پرونده تا انجام کارشناسی و برآورد خسارت (به تعبیر دادگاه تا تأثیر جنایت در حالات روحی و اختلالات رفتاری) مفتوح مانده است و چون قرار کارشناسی از قرارهای اعدادی است و هنگامی که دادگاه در خصوص تعیین خسارت موضوع را به کارشناسی ارجاع می‌دهد، طلیعه پذیرش این نوع خسارت و صدور رأی بر ترمیم این گونه زیان است؛ بنابراین با صدور این رأی، به خوبی پذیرش این شیوه جبران ضرر معنوی معلوم می‌گردد.

نمونه دیگر، رأی صادره از دادگاه حقوقی یک تهران می‌باشد (رأی شماره ۱۴۹ مورخ ۶۸/۱۰/۲، دادگاه حقوقی یک تهران): «در خصوص دعوی خانمی به طرفیت شرکت خدمات هوایی آسمان به خواسته مبلغ پنج میلیون ریال خسارت مادی و معنوی ناشی از درگذشت فرزندش مرحوم خلبان عبدالله در جریان سانحه هوایی مورخه ۱۳۶۴/۲/۱۷ که خواهان مادر وارث منحصر به فرد مرحوم می‌باشد. بنا بر دلالت اظهارنظر اداره استاندارد پرواز هوایمایی جمهوری اسلامی ایران مشتمل بر ۲۰ برگ گزارش واقعه و ۲۹ برگ ضمانت و مدارک و کروکی تحقیقات مربوطه و به خصوص براساس مندرجات برگ ۲۵ و بعد اظهارنظر مذکور که حسب ماده ۱۳ قانون بازسازی قانون کارشناسان رسمی دادگستری دارای ارزش کارشناسی است، ضعف عملکرد و پانزده مورد تخلفات دیگر شرکت خوانده، علت مهم و اصلی بروز حادثه بوده است و بر این اساس استنباط دادگاه این است که تخلفات حرفه‌ای و نارسائی‌های شرکت

خواننده در تنظیم و تجهیز خدمات پروازی موجب بروز حادثه بوده است و نظر به اینکه عقیده کارشناس مورد بحث با حقایق قضیه تعارضی ندارد و اعتراض موجهی نسبت به آن نشده است؛ و نظر به اینکه ضرر و زیان علی‌الاصول مشتمل بر ضرر و زیان مادی و معنوی است و خواهان با از دست دادن تنها فرزندش از لحاظ روحی و عاطفی و معنوی شدیداً متألم و متأثر شده، به علاوه حادثه ناگوار مزبور سبب توجه خسارت مادی مربوط به تجهیز و تدفین و ترحیم و غیره نسبت به خواهان گردیده، ارکان قانونی مطالبه خسارت که همان تخلیفات شرکت خواننده و توجه خسارت به خواهان و وجود رابطه علیت بین آن دو می‌باشد ثابت و محقق است و دفاع موجهی هم از ناحیه خواننده به عمل نیامده. علی‌هذا، دعوی به نظر دادگاه ثابت تشخیص و مستنداً به مواد یک و دو قانون مسئولیت مدنی، حکم به محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ۵ میلیون ریال بابت ضرر و زیان مادی و معنوی و مبلغ ۵۶۷۵۰ ریال بابت هزینه دادرسی و دفتر در حق خواهان صادر و اعلام می‌دارد» (رای شماره ۱۴۹ مورخ ۶۸/۱۰/۲).

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در آراء مذکور، جبران خسارت معنوی و صدور حکم بر آن پذیرفته شده است و به تدریج رویه قضایی به این واقعیت که زیان معنوی نباید بدون جبران باقی بماند، نزدیک‌تر می‌شود. (حاتمی، ۱۳۸۲، ص ۴۴-۴۹) هر چند همان اشکالی که مخالفین جبران زیان معنوی از طریق مابه‌ازاء مادی عنوان نموده‌اند، در آراء مذکور مشهود است و جای این سؤال باقی است که چگونه و براساس چه ملاکی زیان معنوی اندازه‌گیری شده و جبران آن حکم صادر گردیده است، اما به هر حال صدور حکم به پرداخت مبلغی پول به عنوان جبران خسارت معنوی برای زیان‌دیده خشنودکننده و تسکین‌دهنده است و برای هر مورد بنا بر اوضاع و احوال و وضعیت خاص می‌توان مبلغی معقول در نظر گرفت تا دشواری اندازه‌گیری زیان معنوی، مستمسک بدون جبران مانند خسارت معنوی قرار نگیرد.

۴-۴. جمع و تکمیل شیوه‌های جبران خسارات فرهنگی

وقتی تمام ارکان مسئولیت مدنی محقق شده باشد، زیان‌دیده می‌تواند جبران خسارات خود را مطالبه نماید. دو شیوه متداول عبارتند از: اعاده به وضع سابق (برگرداندن وضعیت زیان‌دیده به صورت قبل از وقوع خسارت) و جبران خسارت از راه دادن معادل. طبق تأکید برخی اساتید، بهترین شیوه جبران خسارت، اعاده به وضع سابق است و تا زمانی که این شیوه امکان‌پذیر باشد، نوبت به جبران خسارت از راه معادل نمی‌رسد.

در شیوه جبران خسارت، عامل ورود خسارت حق انتخاب ندارد و قانون‌گذار اول این شیوه را به او تحمیل می‌کند. به دلیل لزوم تسریع در جبران خسارت‌های فرهنگی و جلوگیری از گسترش ضرر و نیز جلب رضایت زیان‌دیده امور فرهنگی و تسکین خاطرش، می‌توان حق انتخاب در شیوه جبران خسارت را به او داد؛ یعنی به جای اعاده به وضع سابق، مثل یا معادل آن را بگیرد. هرچند در برخی از مصادیق نیز زیان‌دیده حق انتخاب ندارد. به عنوان مثال در غصب تا زمانی که عین مغضوبه موجود باشد، مالک یا زیان‌دیده صرفاً می‌تواند مطالبه عین را بکند و حق مطالبه مثل یا قیمت و معادل را ندارد.

جبران خسارت از راه اعاده به وضع سابق، مصادیق مختلفی دارد:

۱. بازگرداندن شرایط و اوضاع امن اخلاقی و معنوی یا فراهم‌سازی هرچه سریع‌تر حقوق فرهنگی و معنوی یک شهر: تا زمانی که امکان بازگرداندن و یا ایجاد امنیت اخلاقی و معنوی محیطی وجود دارد، زیان‌دیده با استناد به دلایل واهی نمی‌تواند از راه معادل، خسارت خویش را مطالبه کند. این مورد در مصادیقی کاربرد می‌یابد که دولت در ایجاد و فراهم‌سازی حقوق فرهنگی و معنوی مردم آرام آرام اقدام می‌کند و در اثر این سرعت، به برخی از اشخاص ضرر وارد می‌شود. با اندکی تحمل، حقوق فرهنگی و معنوی فراهم می‌گردد. همان‌گونه که اگر عین مغضوبه موجود باشد، زیان‌دیده حق مطالبه مثل یا قیمت آن را ندارد.

۲. اشتباه در فراهم‌سازی حقوق معنوی و ایجاد نقص در برخی حقوق فرهنگی: این مورد نیز به تنهایی مصادیق زیادی دارد. مفادش این است که اگر شخصی حقوق معنوی دیگران را خدشه‌دار یا معیوب نماید و موجب ایراد خسارت بر او شود، فاعل فعل زیان‌بار مکلف است آن حقوقی را که خدشه‌دار نمود و باعث نقصان آن گردید، به وضع سابق درآورد. این مورد همانند بحث اتلاف است که می‌گوییم اگر جزء مال یا وصفش تلف گردید، متلف بایستی در مرحله اول آن را به حالت اول درآورد.

۳. از بین بردن منبع خسارت و ضرر: در مواردی که در اثر فعل فاعل یا دولت، منبعی ایجاد می‌شود که مستمراً وسیله اضرار دیگران قرار گرفته و منجر به ایراد خسارت‌های معنوی و فرهنگی می‌گردد، در درجه اول از بین بردن منبع ضرر، بهترین شیوه جبران خسارت است. به طور کلی باید گفت در مواردی که اعاده به وضع سابق امکان‌پذیر نباشد و یا به طور کامل از زیان‌دیدگان جبران خسارت نکند، جبران ضرر از راه دادن معادل صورت می‌گیرد. در

واقع، علاوه بر اینکه دولت می‌بایست حقوق فرهنگی و معنوی ایفا نشده را برگرداند و سریعاً انجام دهد، چون اشخاص زیان‌دیده از استفاده منافع حقوق فرهنگی و معنوی مسلم خود بازمانده‌اند، دولت می‌بایست معادل منافع مسلم فوت شده را نیز به آن‌ها پرداخت نماید. به بیان بهتر، صرف اعاده به وضع سابق در برخی موارد نمی‌تواند اغلب خسارت‌های متضرران، خصوصاً در امور فرهنگی را جبران کند؛ بنابراین، حتی‌الامکان می‌بایست از راه دادن معادل نیز نسبت به زیانی که جبران نشده است، صورت گیرد. مثل غاصبی که اجرت‌المثل ایام تصرف را نیز بایستی بپردازد. چراکه قبلاً نیز گفته شد، ضرر گاهی به معنای از بین بردن حقوق، منفعت و مال موجود است و گاهی بازماندن از کسب حقوق، منفعت و مال مسلم. شایسته است قانون‌گذار برای حمایت هرچه بیشتر از خسارت‌دیدگان امور فرهنگی و معنوی، راهکارهای مختلف تأمینی را که در موارد استثنایی پذیرفته، توسعه داده تا در حد ممکن خسارت‌های زیان‌دیدگان جبران نشده باقی نماند:

۱. مسئولیت تضامنی: همانند آن که قانون‌گذار در بحث غصب، همه غاصبین را در برابر مالک مسئول می‌داند و مقرر کرده که مالک می‌تواند عین، مثل، قیمت خود را از هرکدام از غاصبین که خواست و در دسترسش بود مطالبه کند، در امور فرهنگی نیز مقرر دارد کلیه متولیان امور فرهنگی که منجر به ایراد خسارت معنوی و فرهنگی و یا تضییع حقوق فرهنگی و معنوی مردم گردند، به نحو تضامنی در برابر مردم زیان‌دیده مسئولیت مدنی دارند. (با وحدت ملاک از مواد ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۰۶، ۳۱۵ و ۳۱۱ قانون مدنی) در واقع، هرگاه چند نهاد و شخص دولتی در ایجاد حوادث فرهنگی دخیل باشند و همه به نوعی مسئول ایجاد حادثه باشند، اصل کلی این است که به نحو اشتراکی و به نسبت تساوی دارای مسئولیت هستند و مسئولیت تضامنی همه آن‌ها نظیر بحث غصب نیاز به تصریح قانون‌گذار دارد. قانون‌گذار تصریح نموده: همه غاصبین در مقابل مالک نسبت به رد عین، مثل یا قیمت، مسئولیت تضامنی دارند و علاوه بر آن هر غاصبی نسبت به منافع زمان تصرف خود و غاصبین بعد از خود نیز دارای مسئولیت تضامنی است. اگرچه در امور فرهنگی عمده‌تاً خسارات معنوی است، اما با وحدت ملاک از این بحث می‌توان در جهت حمایت از زیان‌دیدگان بهره برد.

۲. بیمه مسئولیت: با وحدت ملاک از قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری که برای حمایت هرچه بیشتر از زیان‌دیدگان، مالکین را به بیمه نمودن مکلف نموده است، می‌توان دولت را مکلف به بیمه مسئولیت مدنی خود در قبال خسارات فرهنگی نمود.

۳. تأسیس صندوق جبران خسارت‌های معنوی و فرهنگی: همان‌گونه که قانون‌گذار صندوقی تحت عنوان «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» ایجاد نموده است تا در مواردی که وسیله نقلیه مسبب حادثه بیمه نداشته باشد و یا شناسایی نشود، از محل این صندوق از زیان‌دیدگان به صورت کامل جبران خسارت شود (نیک‌فرجام، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵)، در این بحث نیز شایسته است قانون‌گذار برای حمایت هرچه بیشتر از زیان‌دیدگان امور فرهنگی و معنوی جامعه که از حیث جایگاه و درجه حمایتی، اگر بیشتر از زیان‌دیدگان وسایل نقلیه موتوری در معرض توجه و آسیب نباشند، لااقل کم‌بها‌تر از آنان نیز نخواهند بود، این سازوکار را عملیاتی سازد.

نتیجه‌گیری

مسئولیت دولت در نظام حقوقی اسلام، تابع اوامر و نواهی شارع است. با توجه به اهمیت جایگاه فرهنگ ملی، مذهبی و عمومی به عنوان نرم‌افزارهای حکمرانی، دولت افزون بر رعایت حقوق مادی مردم، مکلف به تأمین و صیانت از حقوق معنوی و فرهنگی آنان نیز می‌باشد. دولت نه تنها حق ندارد در این امور به زیان شهروندان عمل کند، بلکه باید با حفظ فضای فرهنگی و معنوی جامعه، مانع از تحمیل خسارت به آنان گردد.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مسئولیت مدنی دولت در امور فرهنگی، نگرشی تازه در نظام مسئولیت مدنی ایران است. چالش‌های اصلی این حوزه عبارتند از: مفهوم ضرر فرهنگی، نحوه اثبات تقصیر دولت، قواعد سقوط ضمان دولت، زیان‌های ملازم با اقدامات حاکمیتی و احراز رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار دولت و خسارت وارده. عمده خسارات حوزه فرهنگ از سنخ خسارات معنوی است. اگرچه برخی بر عدم قابلیت جبران این زیان‌ها تأکید دارند، دلایل متعددی این نظریه را رد می‌کند و دولت در این امور مسئول شناخته می‌شود. هرگاه دولت در میان مسببان یا مقصران یک خسارت فرهنگی قرار گیرد، عدالت و اصل لزوم جبران خسارت ایجاب می‌کند که در کنار مباشر، دولت نیز به سهم خود مسئول باشد. این امر به ویژه از آن رو حائز اهمیت است که ضررهای فرهنگی و معنوی غالباً گسترده‌اند و کارمندان دولت، اشخاص حقیقی و بخش خصوصی توانایی کافی برای جبران آن‌ها را ندارند، در حالی که توانایی مالی و انسانی دولت بسیار بیشتر است. جبران خسارت از سوی دولت ضمن تسریع در روند جبران و تأمین حقوق شهروندان، سبب می‌گردد دولت در انتخاب و نظارت بر کارمندان خود دقت بیشتری به عمل آورد.

قانون‌گذار در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، هیچ تفکیکی میان انواع اعمال حاکمیتی

دولت قائل نشده و در همه اقسام، صرف نظر از میزان تأثیرگذاری و آسیب‌پذیری اقشار گوناگون، تنها با ذکر چند شرط، دولت را از مسئولیت معاف نموده است. این ماده مشخص نکرده که اگر دولت با تقصیر و اهمال خود به اشخاصی ضرر وارد آورد و از شروط آن سوءاستفاده کرده و آن را در جهت پوشش خطاهای خود به کار گیرد، با چه معیاری می‌توان این تقصیرها را اثبات و پیگیری نمود. اقتضای عدالت آن است که قانون‌گذار با اصلاح ماده ۱۱، در خسارات ناشی از عمل کارکنان، هم دولت و هم کارمند خاطی را مسئول معرفی کند تا احتمال عدم جبران خسارت به حداقل برسد و دولت حق مراجعه به کارمند مقصر را داشته باشد.

معیار تعیین زیان‌های فرهنگی، نظر عرف جامعه است. هدف اصلی مسئولیت مدنی، زایل نمودن ضرر نیست، بلکه جبران خسارت می‌باشد. در خسارت‌های فرهنگی، پرداخت پول اغلب خشنودکننده و باعث تشفی خاطر زیان‌دیده می‌گردد. همچنین خسارت‌های فرهنگی از راه‌های دیگری نظیر انتشار اطلاعات صحیح در جراید، انتشار آراء محکومیت، اعلام عذرخواهی و اعاده به وضع سابق نیز قابل جبران هستند. اگرچه در آغاز اجرای نظریه مسئولیت مدنی دولت در امور فرهنگی، حجم پرونده‌ها ممکن است افزایش یابد، اما پس از مدتی این روند محدود شده و از گسترش مشکلات جلوگیری می‌شود. در صورت طرح این دعاوی در دیوان عدالت اداری، رسیدگی‌ها دقیق‌تر انجام شده و از حجم مشکلات کاسته می‌گردد.

پیشنهادهای

۱. تأمین امنیت فرهنگی با تکیه بر معیارهای بومی

جامعه ایران به تصریح رهبر شهید، جامعه‌ای با طبیعت فرهنگی و مذهبی است و اهداف دین نیز اهداف فرهنگی و معنوی می‌باشند؛ بنابراین باید با تکیه بر معیارهای مورد قبول چنین جامعه‌ای، «امنیت فرهنگی» تأمین گردد. این مهم محقق نمی‌شود مگر با افزایش آگاهی‌ها و چنان رشد و بینشی در اشخاص حقیقی که موج‌های مخرب فرهنگی نتوانند اذهان و افکار را تخریب کنند. نظارت بر نام‌گذاری فروشگاه‌ها و اماکن عمومی، ترویج پیام‌های دینی در قالب تابلوهای تبلیغاتی در اماکن پررفت‌وآمد، امر به معروف و نهی از منکر توسط نیروهای انتظامی و مسئولان نظارتی اصناف، پیاده‌سازی مفاهیم تولی و تبری در متون درسی، معرفی و مد نمودن الگوهای عملی آن و ترویج اصول فرهنگ علوی (عدالت، ساده‌زیستی، امام‌شناسی، انتظار) در بین مسئولان حکومتی و مردم از جمله راهکارهای مؤثر است.

۲. اصلاح قانون مسئولیت مدنی و تدوین قانون مجزا

با توجه به گذشت بیش از نیم قرن از اجرای قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و مشخص شدن نقص‌های آن پس از انقلاب اسلامی و نیز با عنایت به پژوهش‌های گسترده دهه اخیر در زمینه مسئولیت مدنی دولت، لازم است قانون‌گذار قانون مجزایی برای مسئولیت مدنی دولت وضع نماید و ضمانت اجرای حقوق و تکالیف خود را در حوزه‌های گوناگون تقنینی، اجرایی و قضائی در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به صورت یکجا مشخص کند. اصلاح ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در جهت پذیرش مسئولیت تضامنی دولت و کارمندان در قبال خسارات فرهنگی و اصلاح ماده ۱۲ این قانون به منظور تفکیک اعمال حاکمیتی قابل معافیت از غیرقابل معافیت (با تأکید بر این که خسارات فرهنگی هرگز نباید بدون جبران باقی بماند)، از جمله ضروری‌ترین اقدامات تقنینی در این حوزه است.

منابع

- قرآن کریم

۱. آقایی طوق، مسلم (۱۳۹۸). «تحلیلی تاریخی بر دوگانگی فرایند رسیدگی به دعاوی مسئولیت به طرفیت دولت در حقوق ایران». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۱، شماره ۶۲، ص ۲۴۴-۲۶۵. لینک مقاله https://qjpl.atu.ac.ir/article_9978.html
۲. احمدی، حسین و ذکاییان، پرویز (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی خسارات عدم نفع در فقه امامیه و قوانین ایران و کنوانسیون ۱۹۸۰ وین». پژوهشگاه فقه و حقوق اسلامی. دوره ۹، شماره ۳۲، ص ۴۵-۶۸. لینک مقاله https://www.jlj.ir/article_253560.html
۳. اصغری آقمشهدی، فخرالدین (۱۳۸۲). «جبران خسارت معنوی در حقوق ایران». پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، دوره ۳، شماره ۹، ص ۳۲-۴۸. لینک مقاله <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1309712>
۴. امامی، سید حسن (۱۳۸۸). حقوق مدنی. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۵. بابائی، ایرج (۱۳۹۴). حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد (چاپ اول). تهران: نشر میزان.
۶. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی. تهران: نشر میزان.
۷. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۷۷). سوء استفاده از حق (مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی) (چاپ سوم). تهران: انتشارات اطلاعات.
۸. پروین، فرهاد (۱۳۸۰). خسارات معنوی در حقوق ایران. تهران: نشر ققنوس.
۹. جلالی، محمد، حسنونند، محمد، میری، ایوب (۱۳۹۶) «تفکیک صلاحیت دیوان عدالت اداری و دادگاه عمومی در دعاوی مسئولیت مدنی علیه دولت»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و یکم، شماره نود و نهم، ص ۸۶-۱۱۲.
۱۰. جعفری، حسین، رجائی‌پور، مصطفی و دلاور، غلامحسین (۱۳۹۶). «درنگی در قلمروی قاعده فقهی "التعزیر فی کل عمل المحرم"». جستارهای فقهی و اصولی، دوره ۳، شماره ۹، ص ۱۴۱-۱۶۸. لینک مقاله http://jostar-fiqh.maalem.ir/article_66014_7e21a89257f43908cf6b570ef17624db.pdf
۱۱. حاتمی، علی اصغر (۱۳۷۷). «خسارات معنوی و شیوه‌های جبران آن در حقوق ایران». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۲۵ و ۲۶ و ۱-۲۰.

۱۲. خدابخش، عبدالله (۱۳۸۸). بیمه و حقوق مسئولیت مدنی، ج ۱، تهران، نشر معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه.
۱۳. خوئینی، غفور، باقری، سکینه (۱۳۹۴). «مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات وارد بر سلامت روان شهروندان»، همایش بین‌المللی روانشناسی و فرهنگ زندگی، لینک مقاله https://www.civilica.com/Paper-ICPCL01-ICPCL01_142.html
۱۴. شعاریان، ابراهیم و مولائی، یوسف (۱۳۹۲). «شرایط و موانع اعمال قاعده تقلیل خسارت»، پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲، دوره ۱، ص ۳۵-۶۴. لینک مقاله https://jplr.atu.ac.ir/article_2237.html
۱۵. شهیدی، مهدی (۱۳۷۷). آثار قراردادها و تعهدات. تهران: نشر حقوقدان.
۱۶. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی (الزام‌های خارج از قرارداد). تهران: سمت.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی اداره»، فصلنامه حقوق اداری، سال دوم، شماره ۵، ص ۳۳-۶۴. لینک مقاله https://qjal.smtc.ac.ir/browse.php?a_id=47&sid=1&slc_lang=fa&ftxt=0
۱۷. امید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲). موجبات ضمان. تهران: نشر میزان.
۱۸. عنصری‌فرد، عباس (۱۳۸۳). جریحه‌دار کردن عفت عمومی (چاپ اول). تهران: نشر آریان.
۱۹. فهیمی، عزیز اله (۱۳۹۶). «ضرر در خسارت‌های زیست محیطی بحث تطبیقی در فقه و حقوق ایران و فرانسه و اسناد بین‌المللی»، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، بهار و تابستان، شماره ۱۰۷، ص ۱۲۶-۱۲۷.
۲۰. قدرتی، فاطمه، مظهرقراملکی، علی و نظری توکلی، سعید (۱۳۹۶). «معناشناسی حق معنوی در گفتمان حقوقی اسلام و ایران». مجله فقه و حقوق اسلامی، دوره ۵، شماره ۹، ص ۱۶۱-۱۹۰. لینک مقاله https://law.tabrizu.ac.ir/article_3554.html
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). الزامات خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی) (ج ۱). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. کریمی‌نیا، محمد مهدی (۱۳۷۹). «مسئولیت دولت‌ها در قبال خسارت‌های معنوی»، مجله معرفت، (۳۸)، ۹۹-۱۰۳.
۲۳. مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۸). تهران، نشر معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۴. محبی، مرتضی (۱۳۹۵). «مسئولیت مدنی هیأت نظارت بر مطبوعات». دوفصلنامه حقوق خصوصی عدالت، دوره ۳، شماره ۶، ص ۱۴۰-۱۶۰. لینک مقاله <https://iranjournals.nlai.ir/handle/>
۲۵. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۸). قواعد فقه (چاپ دوازدهم). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۶. میرزامحمدی، محمد حسن، فرمehنی فراهانی، محسن و اسفندیاری، سهیلا (۱۳۹۰). «بررسی نقش آموزش های دینی در سلامت فردی و اجتماعی». فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۲، ص ۲۰-۴۵. لینک مقاله https://ksiu.nahad.ir/article_128.html
۲۷. نجفی توانا؛ علی، شهید و شاطری پور اصفهانی (۱۳۹۱). «پیشگیری اجتماعی از جرم در پرتو تحولات ناشی از جهانی شدن فرهنگ»، آموزه های حقوق کیفری (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، دوره ۹، شماره ۴، ص ۵۵-۸۴. لینک مقاله https://journals.razavi.ac.ir/article_777.html
۲۸. نجفی خوانساری، سید موسی (۱۴۱۸ق). منیه الطالب فی شرح المکاسب (ج ۱). تهران: نشر اسلامی.
۲۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۵). عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام. قم: مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی.
۳۰. نقیبی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۶). خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام های حقوقی معاصر. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۱. نیک فرجام، زهره (۱۳۹۲). جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق. تهران: انتشارات سمت.

منابع لاتین

1. Viney, G. (1988). La responsabilité: effets. Dans Traité de droit civil (sous la direction de Jacques Ghestin), Les obligations. Paris: Librairie générale de droit et de jurisprudence (L.G.D.J.). https://www.persee.fr/doc/ridc-0035-3337_1988_num_40_2_1272
2. United Nations. (1989). Convention on the Rights of the Child. Adopted by the General Assembly resolution 44/25 of 20 November 1989. United Nations, Treaty Series, vol. 1577, p. 3. Entered into force on 2 September 1990.

